

آیت الله اسد الله مدنی

آیت الله سید اسدالله مدنی در سال 1293 هجری شمسی در شهر دهخوارقان (آذر شهر) متولد شد...



آیت الله اسد الله مدنی

آیت الله سید اسدالله مدنی در سال 1293 هجری شمسی در شهر دهخوارقان (آذر شهر) متولد شد. در دوران جوانی به قم عزیمت کرد و پس از گذراندن دروسهای مقدماتی حدود چهار سال به تحصیل درس منقول در محضر امام مشغول شد. پنج سال بعد به نجف اشرف عزیمت و تدریس و تحصیل خود را در آنجا شروع کرد، در درسهای مرحوم آیت الله العظمی سید عبدالهادی شیرازی، مرحوم آیت الله العظمی سیدمحسن حکیم و آیت الله العظمی آقای حاج سید ابوالقاسم خوئی دام ظلّه العالی شرکت می کرد.

وی اولین کسی بود که در جریان انقلاب سال 42 شمسی مردم بپاخاسته کشورمان در نجف از امام تبعیت کرد، و در انتشار تلگرام آیت الله حکیم به همین مناسبت نقش بسزائی داشت در زمان حکومت عبدالناصر تحت نظر ایشان عده ای از علمای نجف برای افشاگری چهره طاغوت در ایران به امر امام جهت تدریس علوم دینی به خرم آباد رفت و حوزه علمیه کمالیه در آنجا به تلاش و کوشش ایشان تاسیس شد.

سپس بر اثر فعالیت‌هایی علیه رژیم منحوس پهلوی به نور آباد ممسنی و گنبد کاووس، بندر گنگان و مهاباد تبعید شد و با اوجگیری انقلاب عظیم مردم مسلمان ایران به قم بازگشت.

بعد از پیروزی انقلاب به دعوت مردم همدان به این شهر عزیمت کرد و به لحاظ حساس بودن اوضاع آذربایجان به امر امام به تبریز عزیمت نمود. آیت الله سید اسدالله مدنی از سوی مردم همدان به نمایندگی مجلس خبرگان انتخاب شد و بعد از شهادت آیت الله سید محمد علی قاضی طباطبائی از سوی امام خمینی به سمت امام جمعه و نماینده امام در تبریز منصوب شد.

وی تا وقت شهادت در این پست به امور مردم رسیدگی می کرد.

از خصوصیات بارز آیت الله سید اسدالله مدنی اعتقاد عمیق ایشان به اعلیت امام و برپائی نمازهای شبانه بود که در اثنای این عبادات همیشه شهادت را از خداوند طلب می کرد. از این شهید گرانقدر پنج فرزند دختر و یک پسر بجای مانده است. وی در 12 ذیقعده الحرام 1401 هجری قمری روز جمعه در میعادگاه عاشقان الله (نماز جمعه) به شهادت رسید.

دوران مبارزات: سید اسدالله مدنی از دوران جوانی به اهدافی متعال می اندیشید و همان گونه که در بعد علمی نردبان ترقی و کمال را پیمود و به اجتهاد نایل آمد، در اوضاع نابهنجار نیز در کنار مردم قرار گرفت. ایشان پیش از نهضت سال 1342 هـ ش در ایران با فرقه های گمراه در ستیز بود و پس از پیروزی انقلاب نیز همگام با امام خمینی (ره) در دلش آتش تلاش و مجاهده شعله ور بود.

ستیز با بهائیت: بذر بدفرجام بهائیت در کشورهای اسلامی به دست استعمارگران انگلیسی پاشیده شد و نهال آن در دامن کج اندیشان پرورش یافت.

دستهای پنهان این مسلک را در ممالک اسلامی بویژه شیعه نشین رواج دادند و با ورود فرهنگ بیگانه و بازگشت روشنفکران غربزده از پرورشگاه خود نفوذ این کیش ضد مذهب به اوج خود رسید.

رضاخان و عاملان دیگر غرب در ایران برای کوبیدن اسلام خصوصا مکتب حیات بخش تشیع به ترویج کنندگان مرام بهائیکری میدان دادند به طوری که در اندک زمانی سرمایه داران بهایی در آذربایجان بویژه مناطق اطراف تبریز بر صنایع عظیم استان از جمله کارخانجات برق مسلط شدند. قبضه کردن شریانهای اقتصادی روزبه روز کارگران شیعه شاغل در این مرکز را با شبهات فکری و عقیدتی مواجه می ساخت. آیت الله مدنی که در این ایام در حوزه علمیه قم مشغول درس و بحث علمی بود این آشفستگی اوضاع منطقه را تاب نیاورد و بی درنگ روانه زادگاه خود شد و با عشق و ایمان به مکتب و قلبی آکنده از خشم به دشمن مبارزه اش را بر ضد بهائیت آغاز کرد.

آقای بروجردی می گوید: ایشان احساس می کند که زادگاه اصلی (آذر شهر) در خطر محاصره اقتصادی فرقه ضاله بهائیت یعنی این مسلک و مرام استعماری صهیونیستی قرار گرفته، مراکز حساس شهر مانند کارخانه تولید برق و غیره به دست آنها افتاده است. لذا با بیانات آتشین خود مردم را علیه آنان بسیج می کند تا آنجا که مصرف برق آنها را تحریم می کند و مردم از چراغهای نفتی استفاده می کنند. از این مهم تر آذرشهر که نزدیک به تبریز واقع شده است در آن زمان مقدار زیادی از نان تبریز را تامین می کرد به دستور آن بزرگوار مردم از فروش نان و مایحتاج زندگی به این فرقه گمراه خودداری می کنند و آنان مجبور

می شوند از این شهر مذهبی و اسلامی کوچ کنند. به این ترتیب تب مبارزات ضدبهای بالایی می گیرد. تمام این حوادث از طرف شهرانی وقت پیگیری می شود و شهید مدنی تنها عامل همه تحریکات ضد بهائی شناخته می شود. در نتیجه او را به همدان تبعید می کنند. ولی قیام معظم له به ثمر می رسد. مردم دست از ادامه مبارزه برنمی دارند و سرانجام این شهر مذهبی را از لوٹ این فرقه استعماری صهیونیستی نجات می دهند.

نهیضت سال 42: حرقه انقلاب اسلامی ایران در سال 1342 هـ ش زده شد. دشمن امام خمینی (ره) را دستگیر و مدت‌ها او را دور از شهر قم تحت نظر قرار داد. آنها توطئه غیرمذهبی جلوه دادن قیام و اعدام حضرت امام (ره) را در سر می پروراندند. در این روزها آیت الله مدنی از استادان نامی حوزه علمیه نجف اشرف به شمار می رفت که از دستگیری امام اطلاع پیدا کرد و به عمق فاجعه و توطئه دشمنان پی برد. کلاسهای درس و بحث خود را تعطیل کرد و به سوگ شهدای نهضت ایران نشست و با ترتیب دادن مجالس متعدد چهره کربیه حکومت وقت ایران را در حد توان شناساند و توطئه دشمن را در انحراف اذهان عمومی از اسلامی بودن انقلاب ناکام گذاشت.

هنگامی که در سال 1342 حرکت عظیم مردم مسلمان ایران به رهبری حضرت امام خمینی در جهت سرنگونی رژیم طاغوت آغاز شد. آیت الله مدنی نخستین کسی بود که در نجف به ندای «هل من ناصر ینصرنی» امام لبیک گفت و با تعطیل کردن کلاسهای خود در نجف و تشکیل مجالس سخنرانی در جهت افشای چهره پلید رژیم مزدور پهلوی گام برداشت. وی در این زمان در نجف سردمداران جریان دفاع و پشتیبانی از نهضت امام به شمار می آمد و وقایع ایران را برای طلاب بیان می کرد. از آن شهید بزرگوار چنین نقل شده است که: من علما را در مسجد هندی جمع کردم. صحبت کردم که به داد اسلام برسید. از آقایان علما تقاضا کردم همچنین بگویم: شنیدیم امام را گرفته اند پس با یک عده از طلاب برای دیدن مرحوم آیت الله حکیم رضوان الله تعالی علیه رفتیم ایشان در نجف نبودند، به کربلا رفتیم و دستشان را بوسیدیم و گفتیم آقا امروز آقای خمینی مظهر اسلام است. گفتند: باشد هر چه بگویی می کنم. گفتیم: اقدام کنید و ایشان تلگراف زدند به شاه.

در روزهای سخت در پشتیبانی از امام مخصوصاً پس از سخنرانی مهم و افشاگرانه در رد کاپیتولاسیون توسط امام خمینی (ره) شهید آیت الله مدنی از جمله کسانی بود که لحظه ای از پشتیبانی رهبر و مراد خود دریغ نکرد.